



تروریزم، پیدایش و شکل آن

بخش اول

۱- تروریزم و تأثیرات آن:

تروریزم یا دهشت افگنی بحیث واهمه ای لرزه بر انداز در اندام امنیت جهان موضوع بس مغلق و پیچیده دنیای امروز بوده که در آن عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تاب خورده، در زمینه تحقیقات از طرف علمای ساحات تخصصی و مؤسسات مختلف اندیشوی علمی صورت گرفته که بیشتر جنبه تحلیلی و ارزیابی دارد ولی وحدت نظر و اتخاذ تدبیر مشخص در مقابله به آن در نظر نمی رسد، انتخاب راه بین صلح و جنگ و ایجاد توازن میان مشکل گشایی دیپلماتیک و ستیز باروت و آتش بنابر عدم معرفت کامل در عوامل تبارز و تشابهات و یا اختلافات در شیوه های اعمال تروریستی چندان روشن نیست، گرچه تطبیق هر دو تدبیر بصورت مترادف توصیه می گردد اما تطبیق عملی آن به استثنای چند حالت خاص با موفقیت همراه نبوده.

با ایجاد تحولات نوین و تبارز تشکلات با ساختار های متفاوت و شیوه های ابتکاری اعمال دهشت افگنی و گسترش عقیده در بیرون مرز ها و سطح استخدام داوطلبان تقریباً فرضیه های راه حل سیاسی و نظامی را به بن بست کشانده.

چهل سال قبل از فعالیت های تروریستی برای به سر رسانیدن اهداف خاص سیاسی توسط دولت ها (State Sponsored Terrorism) و یا بعضی از احزاب می شنیدیم و گاهی هم بعضی از مبارزات مشروع آزادی خواهی و عدالت جویی با اعمال نفوذ در تعریف تروریزم گنجانیده شده، جنگ های دلخواه مقامات قدرت ولو که مشخصات علنی تروریستی داشته نقاب تأمین امنیت به رخ آن کشانده شده، بر عکس مبارزات واقعی علیه استبداد و رهایی بخش ملی تابه تروریستی خورده. خلاصه در کل، تشکل منظمی رهبری شده با نام و هویت خاص بحیث یک جریان شناخته شده بین المللی با داشتن ارتباطات وسیع و اعضاء و پیروان و فعالیت های منسجم به نام یک سازمان تروریستی وجود نداشت. بمبارد سفارت امریکا در بیروت که در ۱۸ اپریل ۱۹۸۳ توسط حزب الله لبنان و طیاره ربایی طیاره پان ام از کراچی توسط گروه ابو ندال به حمایت حکومت لیبیا، گروگان گیری اعضای سفارت امریکا در تهران و حوادث پراکنده دگر بر ضد تأسیسات و منافع امریکا و غرب در بعضی کشور ها مثال هایی از تروریزم دولتی و یا حزبی را نشان می دهد.

در غیر آن امنیت نسبی در جهان حکمفرما بود مردم واجد شرائط با خاطر آرام و اطمینان از اروپا و امریکا با انکشاف مؤسسات سیاحتی در گوشه های دور افتاده جهان مصروف سیر، سیاحت و سفر بودند، بی امنیتی در شهرهای بزرگ امریکا و اروپا دلائل خاص و شناخته شده ای خود را داشت.

یگانه دلهره و وهم در دنیا احتمال وقوع جنگ اتمی بود، در امریکا حتی مردم عادی ترتیبات وقایوی و محافظوی برای این منظور اتخاذ نموده بودند.

سر آغاز سازمان یابی تروریزم مربوط مداخلات امریکا در نبرد ملت افغانستان بر علیه شوروی زمان بود که زمینه سازی امریکا در راحت ترین بستر تروریزم پروری (پاکستان) سازمان القاعده را ایجاد نمود. دربخش دوم این نوشته به چگونگی این تشکل مروری خواهم داشت.

امروز با وقوع حوادث گوناگون دهشت افگنی و خون بار در اروپا و امریکا در محلات غیر نظامی و مراکز تجمع مردم که قربانی بسی بیگناهان را بار می آورد و به زیر نام افراط گرایی اسلامی یا Islamic Radicalism توسط گروه مرموز و اسرار آمیز نو بنیادی که با عصری ترین سلاح مجهز بوده و منابع هنگفت مالی در اختیار دارد به نام دولت اسلامی یا داعش عرض وجود نموده که با تمام وحشت و بربریت می کشند، آتش می زنند و سر می برند و با ارزش ترین آثار تاریخی ادوار مختلف را که متعلق به جهان بشریت است در عراق و سوریه منهدم می سازند. پیدایش، آفریدگاران، تمویل کنندگان، تسلیح کنندگان، نصب العین سیاسی و دینی شان برای عوام اسرار آمیز است ولی شرائط و عوامل بستر سازی آن تا حدی قابل فهم است. شاید دستگاه های قوی استخباراتی در این اسرار ره یافته باشند و یا خود مؤجد و شامل باشند.

منطق ایجاد ارباب، دهشت کشتار و ویرانی برای مسلمان ساختن دنیا جداً سؤال بر انگیز است که آیا واقعاً تقویۀ اسلام مطرح است و یا نابودی و بربادی آن.

اول- موقف اسلام و مسلمانان در قبال این حوادث :

چون این فجایع به نام اسلام و با بلند ساختن بیرق سیاه و کلمۀ شهاده صورت می گیرد از لحاظ ذهنیت سازی، وسیله سازی برای مخالفین، ابزار سیاسی قرار گرفتن و دشوار سازی شرائط زیست برای مسلمانان مقیم و پناه جویان نو وارد تأثیرات همه جانبه دارد که ذیلاً به بعضی اشاره می گردد.

الف- مسلمانان در اوطان خود:

اگر ارقام دقیق و ثقه جمع آوری گردد اکثریت قربانیان فعالیت های این گروه مسلمانان بوده اند و علاوه بر محکومین به مرگ ملیون ها آواره و دربدر بیچاره و بی سر پناه شده اند، اکثریت عراقی، سورپایی، لیبیایی و یمنی زندگی نسبی مرفه، آسوده، با امن و شغل و پیشۀ خود را از دست داده در کمپ های مهاجرین در ترکیه، لبنان و اردن در شرائط بی نهایت ناگوار زیست دارند و یا با قبول خطر مرگ راهی ممالک اروپایی شده اند. افغانستان ۱۲ سال است که با تروریزم سازمان یافته و حمایه شده که مطلقاً تروریزم دولتی است با اعمال مشابه داعش دست و گریبان بوده علاوه بر ده هاهزار قربانی بیگناهان متحمل خسارات هنگفت گردیده. ۱۱ سال جنگ ۱۵۰۰۰ سپاه خارجی علی الرغم آگاهی شان از ایجاد و حمایت طالبان توسط پاکستان این جریان را در هم شکسته نتوانسته به توجیه مؤفقت شکست القاعده بار و بستره بستند و به کشور های خود برگشتند و گفتند طالبان تروریست نبوده حل مشکل را در مذاکرات سیاسی توصیه نموده و ابتکار عمل را به پاکستان سپردند.

ناگفته نباید گذاشت که در لای شعله وری جنگ های داخلی و درگیری های مسلحانه دستجات مختلف متخاصم به حمایت کشور های رقیب منطقوی برای توسعه نفوذ سیاسی و یا مذهبی عروج این هیولای وحشت و بربریت به نام داعش مصیبت فزونتر بوده و نحوه و شیوه برخورد شان با مخالفین شان به مراتب وحشیانه تر از گروه های تروریستی دیگر بوده صفحه نوین بربریت و وحشت را به نام جهاد بگشوده اند منظور شان ایجاد دولت اسلامی بر اساس اصول خلافت است. در مجموع مسلمانان محکوم این جنایات بوده و نبرد ها و تهاجمات هوایی و بمبارد های متواتر مداخله کنندگان پیشین و نوین بر مصائب مردم ملکی این ممالک می افزاید و مردم را بیشتر در فقر اقتصادی و کمبود مواد اولیه زندگی دست به گریبان ساخته تارک ماوا می سازد.

ب - مسلمانان در خارج :

مسلمانان ملیت های مختلف در کشور های اروپایی و امریکا بحیث اتباع قانونی این کشور ها زندگی دارند، با استفاده از حقوق حقه مدنی در تنظیم امور دینی خود با سازماندهی ها موفق گردیده و به ایجاد تعداد زیاد مراکز دینی و عبادتگاه ها موفق گردیده اند، پیروان دین اسلام با درجات عالی علمی در مؤسسات طبی و علمی ممالک میزبان راه یافته اند. و از لحاظ ترکیب تعداد نفوس به مقایسه ادیان غیر عیسوی رقم قابل ملاحظه را می سازند.

سرعیت انکشاف اسلام و جذب پیروان جدید و کثرت اعمار مساجد برای سازمان های قوی عیسویت و دین گرایان مخصوصاً کاتولیک دارای قدرت علنی و پنهانی در سیاست های ملی موجب نارضایتی و پریشانی خاطر گردید و از جانبی بعد از دهه ۸۰ توأمیتی بین سازمان های عیسویت و یهودیت ایجاد گردیده اختلافات پارینه کتابی را کنار گذاشته در کلیسا ها بیرق اسرائیل کنار بیرق امریکا قرار گرفت و مبلغین به نحوی از وحدت هر دو دین سخن می گویند. یعنی دین با قوت خاصی داخل سیاست امریکا و اروپا گردید.

از لحاظ تاریخی خاطراتی تا هنوز نزد تندروان دینی عیسویت از جنگ های صلیبی و تهاجمات امپراتوری ترکان عثمانی در برابر مسلمانان وجود دارد. این ذهنیت ها در جنگ های بالقان بعد از ایجاد شرائط تحمیلی زیست باهمی توسط دکتاتوری از عمق به سطح آمد و انهار خون جاری شد. امروز ترکیه به مقایسه بسی ممالک عضو اتحادیه اروپا پیشرفته تر و دموکرات است ولی مسلمان بودن ترکیه عامل عمده ایجاد ممانعت در برابر شمول ترکیه در اتحادیه اروپایی محسوب می گردد.

در جوامع اروپایی و امریکا علی الرغم موجودیت انسان های روشن نگر، پیرو اصول انسانی، مساوات و تحمل پذیری و دید و سینه فراخ جمعیت های متشکل افراطی، متعصب، حسود، تفوق طلب، تنگ نظر و بدبین به نحو سازمان یافته موجود است که گاهی احساسات شان را زیرکانه در جامه دیپلوماسی پنهان میدارند ولی اکثراً از تبارز آن در گفتار و عمل خوداری نمی توانند.

واقعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ توسط مسلمانان ضربه ناگواری بر موقف مسلمانان مخصوصاً در امریکا بود، که سیاست های تعقیب و نظارت خلاف اصول دموکراسی در مورد مسلمانان مرعی الاجرا بود که با بقدرت رسیدن حزب دموکرات و رئیس جمهور شدن بارک اوباما متدرجاً از شدت این نظارت ها کاسته شد. گرچه قبول فرضیه وقوع این حادثه را با تاثیرات همه جانبه آن دسیسه خود ساخت امریکا دانستن با عقل و منطق راست نمی آید، با آنها گرچه این فاجعه توسط مسلمان جامه عمل

پوشید اما با مدنظر داشت بهره گیران واقعی سیاسی این سانحه قبول آن که چنین طرحی در مغاره های سرحد آزاد توسط شخصی به نام اسامه بن لادن ریخته شده باشد جداً قابل سؤال و تعمق است.

وقوع حوادث خونبار پاریس و کلیفورنیا یک بار دیگر اسلام و مسلمان را روی صحنه بین المللی آورد. اگر داعش با وصف تدابیر خاص امنیتی و همکاری های عصری استخباراتی میان کشور های اروپایی، امریکا و دیگر متحدین، با سوء استفاده از خلا های آزادی های رفت آمد، تبادلات و ارتباطات باز هم موفق به ایجاد سانحه مخوف تری گردیده و جنایات مشابه را انجام دهند در نهایت امر تأمین اهداف و دست آورد نهایی این جنایات از لحاظ سیاسی، نظامی و دینی مورد غور قرار می گیرد که نه تنها رفاه و آرامش بشریت را به اسارت می کشاند بلکه بر زندگی مسلمانان تأثیرات خیلی ناگوار داشته و ممالک میزبان اتخاذ هر نوع تصمیم تبعیضی، وضع قیودات و محدودیت ها را بر پیروان اسلام حق قانونی خود دانسته و برای صیانت از ارزش های مدنی خود نادیده گرفتن حق یک طبقه خاص را جزء قانون خود می گردانند و لهذا متصرر واقعی باز هم مسلمان است.

قبل از حملات گروه داعش در ممالک اروپایی احزاب راست گرا مخالفت با پناه گزینان مخصوصاً مسلمانان را در سر خط سیاست های خود قرار داده موجودیت مسلمانان را تهدیدی برای فرهنگ خود دانسته تدابیر تحدیداتی را توصیه می نمودند و پرورش چنین ذهنیت ها امکانات برنده شدن شان را در انتخابات پارلمانی و زعامت بلند می برد. قبل از وقوع این حوادث موضوع مهاجرین مسلمان طرز برخورد شان با جوامع و تبلیغات دینی و حتی لباس پوشیدن شان بحیث ابزار قوی سیاسی مورد استفاده بود.

امریکا که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ قرار دارد موضوع مبارزه با تروریسم و برخورد با مسلمانان در صدر مباحث و مناظرات کاندید ها مخصوصاً حزب جمهوری خواه قرار گرفته و کلیه معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امریکا را تحت شعاع خود قرار داده و کاندیدی با ارائه افراطی ترین سیاست ها موفق برندگی اش بالا می رود. با تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر سهمیه بندی پذیرفتن پناه گزینان افریقایی، سوریایی، عراقی و افغان توسط ممالک عضو به ارتباط حوادث اخیر تأثیرات منفی داشته شاید درب های باز مسدود و یا محدودیت های شدید سبب اقامت دراز مدت پناه جو در کمپ های سرحدی گردد.

از جانب دیگر در تطابق به محیط و شرائط ممالک میزبان و آمیزش با دیگران مسلمانان محافظه کارتر و سخت گیر تر اند و انعطاف پذیری شان در برابر جذبات فرهنگی متداول این جوامع به مقایسه مهاجرین ادیان دیگر با حفظ عنعنات و فرهنگ دینی و بومی توأم با یک مقاومت و مخالفت است.

در کردار ها هم بعضی زیاده روی هایی دیده می شود که توجیه علمی دینی نداشته بلکه باعث انگشت نمایی و بعضاً انزجار می گردد و تحمل آن به همه آزاد منشی توسط عوام مشکل است. مثلاً حضور یک زن مسلمان در یک پارک عمومی شهر در میان هزار ها نفر با حجاب سراپا پوشیده برنگ سیاه و تنها قسمت دوچشم باز جلب توجه نموده و مناسب به نظر نمی آید ولو که ممانعت قانونی وجود نداشته باشد و طرز لباس پوشیدن بعضی مردان مسلمان در محلات اجتماع مردم یک نوع انگشت نمایی می آفریند در حال که در محیط خانه خود در انتخاب لباس آزاد است. مردمانی که تا این پیمانه تابع قیودات اند امریکا و اروپا محل مناسب برای زندگی شان نبوده از اوطان خود بیرون نبر آیند.

بعضی علمای دینی و ملا امامان مساجد در امریکاعلنی تبلیغات تحریک آمیز می نمایند و یا در بعضی مساجد در اوقات فراغت مجالس جوانان ملیت های مختلف دائر و ضدیت ها تبلیغ و تدریس می گردد.

وقوع حوادث فاجعه بر انگیز بر شرائط زندگی مسلمانان در اروپا و امریکا تأثیرات بس ناگوار می آفریند و موجب اتخاذ سیاست هایی از طرف مقامات می گردد که زندگی مسلمانان را مختنق ساخته و باعث سلب آزادی های قانونی شان می گردد و مراجع قانونی مواد متمم را برای نظارت و مراقبت مسلمانان وضع می نماید که حالت دوگانگی قانونی را بار آورده مسلمان محکوم تبعیض قرار می گیرد و ممالک اروپایی و امریکا آن را برای تأمین امنیت حق مجاز خود می شمارند.

پذیرفتن مهاجرین مسلمان در امریکا و اروپا توسط سیاست های تجدید نظر شده محدود و یا احتمالاً نا ممکن می گردد.

از لحاظ شخصی نویسنده به حیث یک مسلمان در موقف دشوار قرار دارد. بعد از تهاجم نظامی امریکا بر افغانستان در همین شهری که زندگی می نمایم بحیث یک افغان صدای خود بلند نمودم و ضمن دو مصاحبه با تلویزیون محلی و نوشتن چند مقاله در یگانه روزنامه شهر و سخن رانی در یک کلیسای بزرگ در حضور ۳۰۰ نفر موقف افغانستان و ملت افغان را در قبال حادثه ۱۱ سپتمبر روشن ساختم به مردم حالی نمودم که افغان ها تروریست نبوده خود محکوم و اسیر تروریسم بوده اند و تا حال در چندین اجتماع و محفل به ارتباط اوضاع افغانستان سخن رانده ام و آخرین آن در مورد تأثیرات اقتصادی خروج مؤسسات خارجی بر مردم افغانستان بود. اما به ارتباط حوادث کنونی چون نام اسلام به آن گره خورده و مردم شعار ها و بیرق های شان را در وسایل اطلاعات جمعی می بینند و می شنوند و برای شان ذهنیت می سازد نمی توان همه مردم را به اصول، احکام و فلسفه اسلام تدریس نموده و به خواندن قرآن تشویق کرد آنچه را می بینند که به نام اسلام و توسط مسلمان صورت می گیرد باور می کنند و مساعی فردی به موقف من آن قدر مؤثر نیست.

پایان بخش اول

ادامه دارد.